

## نقش قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونایی

علی کاظمی طامه<sup>۱</sup>

روح‌اله طالبی آرانی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

### چکیده

همه‌گیری جهانی ویروس کرونا در طی قریب به نه ماه اخیر دگرگونی‌های ژرفی را در تمامی ابعاد زندگی بشر به بار خواهد آورد؛ نظام سرمایه‌دارانه جهانی نیز به‌عنوان یک بستر اقتصادی جهان‌گستر که حاوی ویژگی‌های بارزی از قبیل گستره جهانی، چندبعدی بودن، و پویایی مستمر است، از این قاعده مستثنا نیست؛ در این میان، با توجه به آنکه قدرت‌های بزرگ همواره نقشی کلیدی را در پیشبرد نظام سرمایه‌دارانه جهانی، به‌ویژه به هنگام وقوع بحران‌های اقتصادی جهان‌گستر ایفا کرده‌اند، ارزیابی دورنمای نقش‌آفرینی آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی، البته با فرض مهار نهایی بحران همه‌گیری جهانی کرونا، که رویدادی بی‌سابقه در تاریخ معاصر جهان به شمار می‌آید، مهم به نظر می‌رسد. در این چارچوب، نوشتار حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و با اتکا به روش سناریونویسی، و بر اساس روندکاوی تاریخی و تحلیل محتوای رویدادها و کنش‌های جاری میان قدرت‌های بزرگ در برههٔ مقابلۀ جهان‌گستر با کرونا، حالت‌هایی را که می‌تواند در نقش‌آفرینی آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونایی پیش آید، مورد ارزیابی قرار دهد. در این میان، هفت سناریو، شامل سه سناریوی یک‌وجهی «ملی‌گرایی»، «امپریالیسم»، و «فراملی‌گرایی»، سه سناریوی دووجهی «ملی‌گرایی/امپریالیسم»، «ملی‌گرایی/فراملی‌گرایی»، «امپریالیسم/فراملی‌گرایی» و یک سناریوی سه‌وجهی «ملی‌گرایی/امپریالیسم/فراملی‌گرایی»، شناسایی شدند. یافته‌های نوشتار در پرتوی بررسی عوامل مؤثر بر سناریوهای هفت‌گانه حاکی از آن است که سناریوی هفتم مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید چراکه با توجه به روند تشدیدشوندهٔ تحریم‌های بین‌المللی به رهبری امریکا، هرچه رقابت بین قدرت‌های بزرگ سرمایه‌دارانه بیشتر باشد، قدرت مانور بیشتری را فراروی کشور خواهد بود. علاوه بر این، این نوشتار می‌تواند هدایتگر امکان‌های پژوهشی قابل ملاحظه‌ای به ویژه در مورد بایسته‌های سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سناریوهای پیش‌روی نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونایی باشد.

**واژگان کلیدی:** قدرت‌های بزرگ، نظام سرمایه‌دارانه جهانی، پساکرونا.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. استادیار گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

\* نویسنده مسئول: r\_talebjarani@sbu.ac.ir

## مقدمه

همه‌گیری جهانی ویروس کرونا در طی نه ماه اخیر دگرگونی‌های ژرفی را در تمامی ابعاد زندگی بشر به بار آورده است. این تأثیرگذاری هم عرصه داخلی دولت‌ها و هم بافت بین‌المللی آنها را درنور دیده است: در عرصه داخلی، سامان اقتصادی به تلاطم درآمده است، کسب و کارهای زیادی از رونق افتاده‌اند، یا به تعطیلی کشیده شده‌اند، دولت‌ها ناگزیر شده‌اند بودجه‌های فوق‌العاده‌ای را برای مقابله با این ویروس و مهار آن تخصیص دهند، و لاجرم به نظر می‌رسد تا مدت‌های طولانی با تبعات منفی ناشی از آن از قبیل کسری بودجه، رکود، تورم، و کاهش حجم تولید دست و پنجه نرم خواهند کرد. تأثیرپذیری مناسبات اجتماعی از این روند نیز خود را در تمامی نهادهای اجتماعی نشان داده، به‌گونه‌ای که این ویروس سبک زندگی افراد را تغییر داده، از تحرک جمعیتی کاسته، مناسک مذهبی دسته‌جمعی و اجتماعات آیینی را به حداقل رسانده یا متوقف ساخته، و حجم گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی را از قلمروهای واقعی به فضای مجازی کشانده است. سرانجام، حکمرانی سیاسی نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است به نحوی که دستگاه دولت در جوامع مختلف به نحوی سابقه‌ای اقتدارش را به رخ توده مردم کشیده، و انتظارات جوامع از ابتکارات اثربخش دولت‌ها به اوج خود رسیده است؛ همین روند به نوبه خود نوعی نقطه‌عطف را در حیات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی جوامع به بار آورده است به گونه‌ای که تفاوت جوامع پساکروناپی با وضعیت قبلی‌شان قطعی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، ابعاد مختلف حیات بین‌المللی نیز دگرگونی‌های قابل‌ملاحظه‌ای را به خود دیده‌اند. همه‌گیری جهانی کرونا به‌عنوان تهدیدی علیه جامعه جهانی تلقی گردیده و تلاش‌های وسیعی برای مقابله با آن بسیج شده‌اند. در حوزه سیاسی-امنیتی، خودیاری ملی تشدید شده است به گونه‌ای که سیاست بین‌المللی دولت‌ها به‌ویژه کشورهای کرونازده و در میان آنها، به طور خاص قدرت‌های بزرگ، بیش از پیش بر پیگیری تلاش برای مهار داخلی این ویروس تمرکز یافته است. در حوزه اجتماعی، جابجایی افراد در فراسوی مرزها به شدت کاهش یافته است، و این قبیل ارتباطات به فضای مجازی جهان‌گستر گرایش یافته‌اند؛ این روند بیش‌ازهمه در بخش‌هایی از قبیل ورزش،

گردشگری، سلامت، آموزش عالی، و مبادلات فرهنگی تبلور یافته است. اما در عرصه بین‌المللی، حوزه اقتصادی، بیش از دو حوزه دیگر از همه‌گیری جهانی کرونا تأثیر پذیرفته است. حجم تجارت خارجی بین‌المللی به میزان بی‌سابقه‌ای کاهش یافته، قیمت جهانی کالاها و خدمات نوسان چشمگیری داشته است، بازارهای مالی جهانی آسیب‌های جدی دیده‌اند و تولید ناخالص جهانی نیز روند نزولی به خود گرفته است.

این تحولات بالطبع نظام سرمایه‌دارانه جهانی را به عنوان بستر اقتصادی جهان‌گستر که حاوی ویژگیهای بارزی از قبیل گستره جهانی، چندبعدی بودن، و پویایی مستمر است تحت تأثیر قرار داده است؛ طیف گسترده‌ای از کنشگران، از افراد و شرکتهای خصوصی گرفته تا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در نظام سرمایه‌دارانه جهانی شبکه در هم تنیده‌ای از مناسبات اقتصادی را در گستره‌ای جهانی پدید آورده‌اند که به تبع آن هم از تحولات آن تأثیر می‌گذارند و هم بر تحولات آن تأثیر می‌نهند، به‌ویژه در زمانی که اقتصاد سیاسی جهانی دچار تلاطم می‌گردد.

در این میان، با توجه به آنکه قدرت‌های بزرگ همواره نقشی کلیدی را در پیشبرد نظام سرمایه‌دارانه جهانی، به‌ویژه به هنگام وقوع بحران‌های اقتصادی جهان‌گستر ایفا کرده‌اند، ارزیابی دورنمای نقش‌آفرینی آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی، البته با فرض مهاری نهایی بحران همه‌گیری جهانی کرونا، که رویدادی بی‌سابقه در تاریخ معاصر جهان به شمار می‌آید مهم به نظر می‌رسد.

#### ۱. پیشینه پژوهش

گستره جهانی «شیوع، تلفات انسانی و خسارت‌های مادی، شتاب بی‌سابقه همه‌گیری، و سرانجام، واکنش‌های متفاوت به کووید ۱۹» رفته‌رفته باعث گردید دانش پژوهانی که در رشته‌های دانشگاهی با سطح تحلیل جهانی قلم می‌زنند تأثیرات جهانی آن را دستمایه پژوهشی خود قرار دهند. در این میان، دانش پژوهان رشته‌های روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل نقش برجسته‌ای در تولید ادبیات در این زمینه ایفا کرده‌اند. در ذیل، برخی از مهم‌ترین آثار دانش‌پژوهانه‌ای که در پاسخ به این پرسش‌ها انتشار یافته‌اند بررسی می‌شود.

پربسامدترین قلم‌فرسایی‌ها در مورد تأثیرات همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ با جلوه‌های اقتصادی صرف آنها سروکار دارد. برای مثال، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا (OECD, 2020) در ارزیابی اقتصادی موقت خود در مورد کووید ۱۹ با عنوان «کروناویروس: اقتصاد جهانی در خطر» به این جمع‌بندی رسید که اگر مخاطرات جانبی این وضعیت تداوم یابد، و رشد اقتصادی در طی یک دوره طولانی به مراتب ضعیف‌تر گردد، اقدامات چندجانبه هماهنگ قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری برای حمایت از اقتصادهای کم‌درآمد و تزریق سرمایه مالی به بازارها ضرورت خواهد یافت. ریچارد بالدوین و بیترایس ودر دیمارو نیز در «اقتصاد در روزگار کوید ۱۹» استدلال می‌کنند که شوکهای اقتصادی ناشی از همه‌گیری جهانی کرونا این وضعیت را هم‌تراز با فجایع طبیعی قرار می‌دهد به گونه‌ای که مداخله قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری را جهت متوازن‌سازی اقتصاد سرمایه‌دارانه توجیه خواهد کرد. از سوی دیگر، موکش کومار میشر (Mishra, 2020) نیز در مقاله‌ای با عنوان «جهان پس از کوید ۱۹ و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی» نشان داده است که اشاعه کروناویروس یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات علیه بازارهای مالی جهانی به شمار می‌آید که سرانه رشد جهانی را به زیر ۲/۵ درصد کاهش خواهد داد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مختل خواهد کرد و کسب‌وکارهای محلی نیز از تبعات اجتماعی و اقتصادی آن به شدت آسیب خواهند دید.

برخی دیگر از آثار از مفاهیم رشته روابط بین‌الملل برای تبیین آینده جهان به دنبال همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ بهره گرفته‌اند. برای مثال، باسبی در مقاله‌ای با عنوان «روابط بین‌الملل در مورد کووید ۱۹ به ما چه می‌گوید؟» (Busby, 2020) تأثیرات این وضعیت بر دورنمای همکاری جهانی را مبهم ارزیابی می‌کند، چراکه در فضای آنارشی در عرصه بین‌المللی به ندرت بر سر تهدیدات این‌چنینی اجماع نظر حاصل می‌شود، و فراتر از این، فقدان رهبری امریکا در این زمینه و اختلاف نظر آن با سازمان بهداشت جهانی رسیدن به اجماع نظر را نیز به مراتب دشوارتر ساخته است. به‌ویژه اینکه سازمان تجارت جهانی نیز اختیارات و توانایی‌های لازم را برای مهار همه‌جانبه کروناویروس ندارد. اسون بیسکاپ (Biscop, 2020) نیز در «کروناویروس و قدرت: تأثیر بر سیاست بین‌الملل» استدلال کرده است که باوجود شیوع کروناویروس، منطقه موازنه قدرت میان

قدرت‌های بزرگ همچنان پابرجاست؛ چراکه آنها باز از این رویداد به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد قدرت خود در عرصه جهانی بهره می‌گیرند

آثاری نیز هستند که بر تأثیرات کروناویروس بر جهانی شدن تأکید می‌نهند. برای مثال، اِتان گافمن (Goffman, 2020) در مقاله‌ای با عنوان «به دنبال شیوع کووید ۱۹، آیا جهانی‌محلی‌شدن آینده ما در زمینه پیشبرد پایداری زیست‌محیطی است؟» بر این باور است که همه‌گیری جهانی کروناویروس فرصت‌هایی را برای نوعی از جهانی‌محلی‌شدن فراهم خواهد آورد که در آن، مسافرت‌های هوایی کاهش خواهد یافت، و ما شاهد تولید محلی‌روزافزون و رشد هوشمند، خواهیم بود؛ این روند به نوبه خود از شتاب گسترش این ویروس خواهد کاست و آهنگ بحران زیست‌محیطی را نیز کند خواهد کرد بی آنکه قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری در آن نقش بارزی داشته باشند. آلفردو سعاد - فیلهو (Saad-Filho, 2020) از منظر دیگری به این موضوع می‌نگرد. وی خاطر نشان می‌سازد که همه‌گیری کووید ۱۹ نارسایی‌های نئولیبرالیسم را بیش از پیش آشکار ساخته است و از این رو، در آینده، جهان شاهد رویه‌های سوسیالیستی خواهد بود.

در مجموع، بررسی پژوهش‌هایی که در ماه‌های اخیر در مورد دورنمای جهان پساکروناپی انجام گرفته‌اند، هم از تغییرات شگرف در مناسبات جهانی و هم از حساسیت جامعه دانشگاهی در قبال این موضوع حکایت دارند. اما با این حال، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، این قبیل پژوهش‌ها از دو نارسایی مهم رنج می‌برند: از رویکردهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل و بهره‌گیری از مطالعات تاریخی آن بی‌بهره بوده‌اند؛ و مطالعات آینده در این قلم‌فرسایی‌ها عمدتاً بر داده‌های کمی تأکید ورزیده‌اند و از داده‌های کیفی غفلت کرده‌اند.

## ۲. رویکرد و روش پژوهش

تجربه جهانی مقابله با کرونا نشان می‌دهد که در دنیای در حال تغییر کنونی، تاریخ به ندرت تکرار می‌شود و آینده نیز به ناچار با گذشته تفاوت خواهد داشت. (بل، ۱۳۹۲، ۳۴). از سوی دیگر، فهم آینده بر اساس مطالعه آنچه روی داده است، ضروری به نظر می‌رسد. با مطالعه نظام‌مند و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب، می‌توانیم انتخاب‌های

مختلف راجع به آینده فرارویمان را شناسایی کنیم و با بهره‌گیری از آنها، مطلوب‌ترین آینده را انتخاب و پی‌ریزی نماییم (Bell, 2003: 73). در این چارچوب، رویکرد آینده‌پژوهانه می‌تواند بینش‌های ارزنده‌ای را در زمینه روندهای پیرامونی حیات انسانی ارائه دهد چراکه در برگیرنده اصول و روش‌های مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در خصوص آینده است که با بهره‌گیری از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در رویکرد آینده‌پژوهانه به مطالعه پدیده‌های انسانی به‌کار گرفته می‌شود سناریونویسی است. سناریو نویسی راهی برای به تصویر کشیدن آینده‌های گوناگونی است که هم‌زمان چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو را شناسایی، دسته‌بندی و ارائه می‌کند. این روش متضمن وجود سناریوهایی است که به‌عنوان مجموعه‌هایی از رخدادهای فرضی به منظور مشخص کردن زنجیره‌ای از رخدادهای علی و معلولی ساخته شده‌اند تعریف می‌شوند و با کمک به سیاست‌گذاری و تدوین راهبردها و برنامه‌های بلندمدت، احتمال تحقق آینده مطلوب را افزایش می‌دهند (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۳، ۱۹) به گونه‌ای که تلاش می‌شود وقایع و روندهای آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده بازسازی گردد (حاجیانی، ۱۳۹۶: ۲۵۹).

بر همین اساس، با بهره‌گیری از روش سناریونویسی، در گام نخست، موضوع و بافتی که موضوع در آن قرار دارد مشخص می‌شود؛ بافتارها می‌توانند رفتارهای کنشگران را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر قرار دهند، هرچند این رابطه به‌صورت یکطرفه نبوده و تأثیرپذیری بافتارها از کنشگران در صورت تغییر و تحولات کلان رفتاری امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، کنشگران عمل‌کننده سناریوها تعیین و ارزشگذاری می‌شوند؛ چراکه شناخت کنشگران و درجه‌بندی آن‌ها براساس میزان تأثیرگذاری و قدرت تغییرآفرینی آنها هم بر سناریونویسی و هم بر خود سناریوها تأثیر می‌نهد (چرمک، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۷۲). در این نوشتار، پیشبرد گام نخست در قسمت چارچوب مفهومی صورت خواهد گرفت.

در گام دوم، پیشرانها، سدکننده‌ها، و شگفتی‌سازهای تأثیرگذار در سناریوها را شناسایی و تشریح می‌شوند. پیشرانها، نیروهایی هستند که با اثرگذاری بر رویدادها، باعث شکل‌گیری و تغییر در سناریوها می‌شوند. به بیان بهتر، مقصود از پیشرانها هرگونه عامل، محرک یا نیروی قابل توجهی است که توانایی جریان‌سازی و تغییر را دارا باشد به گونه‌ای که می‌توان آنها را به عنوان متغیرهای نسبتاً مستقل در نظر گرفت. در نقطه مقابل پیشرانها که باعث وقوع سناریوها می‌شوند، سدکننده‌ها قرار دارند که موانعی برای تحقق سناریوها ایجاد می‌کنند. سدکننده‌ها را می‌توان از جمله عواملی دانست که در صورت تمایل کنشگران برای تحقق سناریوی مطلوب، باید برای کنترل و مدیریت آنها اقدامات مناسبی انجام داد. سرانجام، شگفتی‌سازها عوامل یا رویدادهایی در آینده هستند که احتمال وقوعشان نسبتاً کم اما تأثیر آنها بر رویدادهای آینده بسیار ژرف و گسترده است و به عبارتی نویدبخش شرایطی است که زیستگاه امیدها، ترسها، آرزوهاست به صورتی که برنامه‌ها و انتظارات را دچار تغییرات شدید می‌سازند و همه دورنمای آینده را به لرزه در می‌آورند. (Steinmüller & Steinmüller, 2004). در برخی موارد، کشف این پدیده‌ها بسیار سخت و حتی غیرممکن است، ولی در هر سناریونویسی لازم است تا جایی که به تصور و امکان آید در نظر گرفته شوند. این مباحث در قسمت بررسی عوامل تأثیرگذار بر نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا پیگیری خواهند شد.

در گام سوم، بر اساس دو گام پیش از آن، سناریوها تنظیم می‌شوند. در این راستا، با توجه به چارچوب‌های کلی تعیین‌شده در گام‌های اول و دوم، سناریوها به گونه‌ای نگارش می‌شوند که هر کدام دارای عنوان، مقدمه، شرح و جمع‌بندی باشند و نقش‌آفرینی عوامل پیش‌گفته در گام‌های اول و دوم در آنها مشخص شده باشند. با این اوصاف، برای برداشتن گام سوم در این نوشتار، تمامی سناریوهای مربوط به دورنمای نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا احصا و تشریح می‌گردند. گام چهارم به تحلیل سناریوها اختصاص می‌یابد. در این گام، به تاسی از بل، آینده به سه دسته ممکن، محتمل و مطلوب تقسیم می‌شود: آینده‌های ممکن یعنی تمام آینده‌هایی قابل تصور و باورکردنی که می‌توانند محقق شوند و بر بنیان دانش‌هایی استوار

باشند که انسان هنوز بدانها دست نیافته است ولی ممکن است روزی محقق شود. این آینده‌ها بر تصوراتی مطابق با، یا فراتر از، دانش کنونی بشر استوار است به گونه‌ای که دربرگیرنده تمامی آینده‌های قابل تصور و البته قابل اتفاق است فارغ از اینکه چقدر احتمال دارد این آینده‌ها تحقق یابند؛ آینده‌های محتمل آینده‌هایی هستند که بر دانش کنونی بشر استوار بوده و فارغ از ارزش‌های فردی آینده‌پژوه، و بر اساس درک فعلی وی از چگونگی کارکرد ساختارهای مادی و غیرمادی مسئله پژوهش با بررسی دقیق کلان الگوهای رفتاری در گستره زمانی گذشته و حال و بسترهای جغرافیایی گوناگون تقریر می‌شوند. به عبارت دیگر، آینده‌هایی که تصور می‌کنیم احتمال وقوع آنها بر اساس الگوهای رفتاری و روندهای جاری (در بستر موجهای بلند تاریخی و چرخه‌های مشهود تغییر) وجود دارد آینده‌های محتمل تلقی می‌گردند، هرچند میزان احتمال وقوع در بین آینده‌های محتمل متفاوت است؛ سرانجام، آینده‌های مطلوب بر خلاف آینده‌های محتمل، ارزش‌بار هستند و به عبارت بهتر، آینده‌پژوه دوست دارد اتفاق بیفتند و حتی ممکن است برای تحقق آن راهکارهایی را پیشنهاد دهد. به منظور پیشبرد گام چهارم در این پژوهش، سناریوهای مربوط به دورنمای نقش قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکروناوی بر حسب حالت‌های ممکن، محتمل و مطلوب دسته‌بندی می‌شوند. بر اساس همین تحلیل، نوعی ارزیابی اجمالی از آنها نیز صورت خواهد گرفت.

### ۳. چارچوب مفهومی

در تلاش برای زدودن نارسایی‌های اشاره شده در قسمت پیشینه پژوهش، از داده‌های تاریخی نظام سرمایه‌دارانه/بین‌المللی و نظریه‌های سه‌گانه اقتصاد سیاسی بین‌الملل در مقابله با بحران‌های سرمایه‌دارانه جهانی، که عملاً اشتراکات قابل ملاحظه‌ای با نظریه‌های روابط بین‌الملل دارند، بهره می‌گیریم تا بتوانیم، در اجرای گام نخست روش پژوهش این نوشتار، محتوای سناریوهای را که می‌خواهیم تنظیم کنیم، مشخص سازیم. محتوای سناریوها، همان‌گونه که در روش پژوهش بدانها اشاره شد، مشتمل بر «نحوه نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ؛ بافتی که در آن قرار می‌گیرد و به بیان بهتر، نظام سرمایه‌دارانه جهانی؛ و کنشگران عمل‌کننده در آن یعنی قدرت‌های بزرگ و ارزشگذاری رفتار آنها» می‌باشد.



در این چارچوب، تحلیل روند تاریخی رفتار اقتصادی-سیاسی قدرت‌های بزرگ در مواجهه با بحرانها در نظام سرمایه‌دارانه می‌تواند راهنمای خوبی برای ترسیم سناریو‌ها در زمینه مواجهه قدرت‌های بزرگ با بحران همه‌گیری جهانی ویروس کرونا باشد. بر همین اساس، می‌توان استدلال کرد که داده‌های تاریخی و قلم‌فرسایی‌های نظری متناظر با آنها، مقوله‌هایی را درباره شناسایی حالت‌های تصویرپذیر نحوه مواجهه قدرت‌های بزرگ با بحران‌ها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی در دوران پساکرونا بی‌دست می‌دهد. بر این اساس، به طور کلی، می‌توان سه الگوی تاریخی/نظری را در مواجهه قدرت‌های بزرگ با بحرانهایی که نظام سرمایه‌دارانه را درگیر ساخته‌اند، متناظر با روند تاریخی آن در طی یک‌ونیم سده گذشته شناسایی کرد: رقابت میان قدرت‌های بزرگ؛ منفعت‌جویی ملی قدرت‌های بزرگ؛ و همکاری میان قدرت‌های بزرگ (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۶۳).

بر اساس الگوی رقابت میان قدرت‌های بزرگ، در زمان وقوع بحران در نظام سرمایه‌دارانه، نوعی رقابت میان قدرت‌های بزرگ سرمایه‌دارانه در می‌گیرد که از آن می‌توان تحت عنوان امپریالیسم یاد کرد؛ بدین‌سان، امپریالیسم به‌عنوان عرصه سیاست رقابت میان قدرت‌های بزرگ تعریف و چنین استدلال شد که رقابت امپریالیستی قدرت‌های بزرگ در پیرامون در نهایت باعث تقابل امنیتی‌نظامی آنها در مرکز می‌شود. مصداقیابی این وضعیت را می‌توان در رفتار قدرت‌های بزرگ در برهه پیش از جنگ جهانی اول مشاهده کرد. بر همین اساس، لنین و بوخارین نظریه امپریالیسم را برای تبیین علل وقوع جنگ جهانی اول بسط دادند. آنها استدلال کردند که جنگ، محصول نیاز شدید به روزنه‌های جدید برای سرمایه‌مازادی بود که دولت‌های سلطه‌گر سرمایه‌داری انباشته بودند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

بر اساس الگوی منفعت‌جویی ملی قدرت‌های بزرگ، چنین مطرح می‌شود که در زمان وقوع بحران در نظام سرمایه‌دارانه جهانی، نوعی درون‌نگری خودخواهانه میان قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری شکل می‌گیرد که از آن می‌توان تحت عنوان مرکانتیلیسم یاد کرد (اختیاری امیری، علیپور و حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۶۷)؛ این وضعیت در عمل به صورت رویه‌هایی از قبیل اعمال تعرفه بالا بر محصولات صنعتی نهایی وارداتی که غیرضرور پنداشته می‌شود، انحصاری نمودن بازار با اعطای حق دسترسی اصلی و ویژه

به تجار هموطن، ممنوعیت حمل کالا با کشتی خارجی، پرداخت یارانه صادرات، استفاده حداکثری از منابع داخلی در تولید، وضع تعرفه‌های غیرتجاری برای کاهش مصرف داخلی، حمایت از تولید داخلی با پرداخت یارانه به آن نمود می‌یابد (George & Abla, 1997, 12). این گونه اقدامات باعث می‌گردد ملی‌گرایی/حمایت‌گرایی در رویکرد کلی قدرتهای بزرگ به جای بین‌المللی‌گرایی بنشیند و به تبع آن، این وضعیت به تهاجمی شدن متقابل سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ نسبت به یکدیگر بیانجامد. مصداق‌یابی این وضعیت را می‌توان در رفتار قدرتهای بزرگ در برهه پیش از جنگ جهانی دوم مشاهده کرد (اسمیت و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴).

سرانجام، بر اساس الگوی همکاری میان قدرت‌های بزرگ، در زمان وقوع بحران در نظام سرمایه‌دارانه جهانی، نوعی هم‌افزایی چندجانبه‌گرایانه میان قدرت‌های بزرگ سرمایه‌دارانه شکل می‌گیرد که از آن می‌توان تحت عنوان لیبرالیسم یاد کرد؛ برای اساس، مسئولیت‌پذیری قدرتهای بزرگ نقش بارزی در مقابله با بحران‌های سرمایه‌دارانه لیبرال دارد؛ چندجانبه‌گرایی قدرتهای بزرگ نیز به نوبه خود متضمن تلاش دسته‌جمعی آنها در توسعه نهادهای اقتصادی بین‌المللی است که در قالب لیبرالیسم نهادگرا تبلور می‌یابد. این نهادها پشتیبان اصول اقتصادی لیبرال می‌گردند و در عین حال به محافظت از دولت‌های عضو در برابر اثرات گسیختگی زای وابستگی متقابل اقتصادی رشدیابنده کمک می‌کنند (گریفتس، ۱۳۹۴: ۷۱). بدین‌سان، با تبدیل دست‌نارمی به دست‌نهادین، مهار و مقابله با بحران‌های سرمایه‌دارانه لیبرال امکان‌پذیر می‌شود (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۵). این وضعیت را می‌توان در رفتار قدرتهای بزرگ در مقابله با بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ آشکارا مشاهده کرد که در بستری نهادی انجام پذیرفت. این بستر نهادی، از طریق نهادهای بین‌المللی مهیا گردید (Pavel, 2015) (3) به گونه‌ای که همپوشانی منفعت ملی و منفعت بین‌المللی قدرتهای بزرگ در برهه وقوع یا پیش‌وقوع بحران‌های بزرگ اقتصادی جهانی باعث روی آوردن آنها به همکاری در دل رقابت با یکدیگر در قالب‌های توامان نهادین رسمی و گروه‌های غیرنهادین جهت مدیریت نظام جهانی و جلوگیری از شکل‌گیری بحران‌های سیاسی-امنیتی در سطح نظام بین‌الملل گردید.

بر اساس این سه مفهوم پردازی تاریخ‌نگرانه، می‌توان سه مقوله پایه‌ای را در رفتار قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری در قبال بحران سرمایه‌دارانه جهانی در هنگامه همه‌گیری جهانی کرونا از یکدیگر متمایز ساخت: رقابت، ملی‌گرایی، و چندجانبه‌گرایی. این مقوله‌ها می‌توانند به‌عنوان بنیانی برای تنظیم سناریوهای مدیریت قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی در دوران پساکرونا به کار آیند. اما پیش از آن، ضروری است که عوامل تأثیرگذار بر آنها به‌عنوان گام دوم در پیشبرد روش پژوهش شناسایی و تشریح گردند.

۶۵



#### ۴. عوامل تأثیرگذار بر سناریوهای نقش قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی

در پرتوی چارچوب مفهومی مطرح‌شده و نیز در راستای پیشبرد گام دوم روش پژوهش، در این قسمت می‌کوشیم تا شرحی مختصر بر خصلتهای بنیادین عوامل تأثیرگذار در سناریوهای پیش‌روی عرصه سیاست قدرت‌های بزرگ نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا را ارائه دهیم. این عوامل را می‌توان در سه دسته پیشران‌ها، سدکننده‌ها و شگفتی‌سازها جای داد. در این چارچوب، بر اساس وضعیت کنونی نحوه واکنش قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری به همه‌گیری جهانی کرونا، روندها و رویدادهایی که می‌توان در طی این واکنش‌ها بازشناسی کرد، این سه دسته از عوامل را از یکدیگر متمایز خواهیم ساخت.

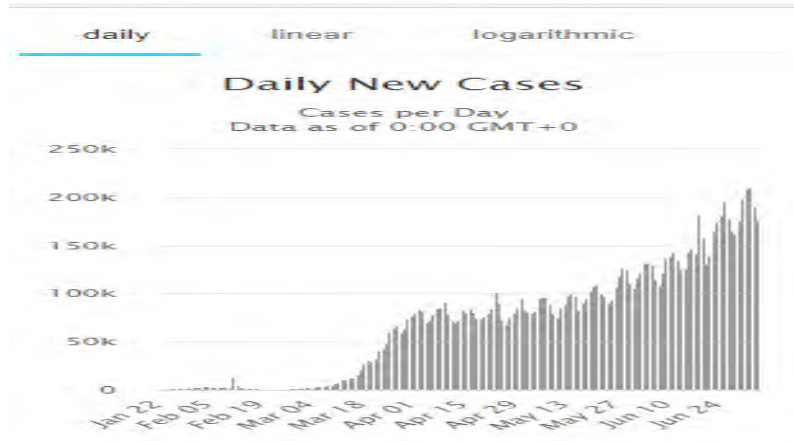
#### ۴-۱. پیشرانها/سدکننده‌ها

به طور کلی، می‌توان گفت که پیشران‌ها و سدکننده‌ها در برگزیده رفتارها، روندها و برآندهایی هستند که سناریوها را در شرایط پساکرونا تحت تأثیر خود قرار داده و به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده رویکردهای کلان سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به‌صورت ایجابی یا سلبی، در نظر گرفته می‌شوند: آنها یا منجر به منتفی شدن تهدید همه‌گیری جهانی کرونا می‌شوند به گونه‌ای که وضعیت عادی پیشاکرونا باز می‌گردد یا این تهدید را طولانی‌تر می‌سازند به گونه‌ای که بدان عمق، وسعت و شدت می‌بخشند. این عوامل را می‌توان در سه فقره ذیل فهرست کرد:



۱-۱-۴. از میان رفتن / تداوم جهانی ویروس کرونا: در این پیشران، بی‌آنکه اراده قدرت‌های بزرگ در آن نقشی داشته باشد، ویروس کرونا به مرور زمان و به نحو طبیعی تضعیف می‌شود و سرانجام از بین می‌رود. تضعیف تدریجی و محو نهایی ویروس کرونا بر پایه گمانه‌هایی در مورد مقاوم شدن تدریجی سامانه ایمنی بدن انسان در برابر آن و تأثیرگذاری عوامل طبیعی از قبیل افزایش دمای هوا در تابستان بر امحای آن استوار است، ولی با این حال با توجه به تداوم روند مرگ‌ومیرهای مبتلایان در فصل‌های بهار و تابستان و نیز گسترش افقی و عمودی آن در میان و درون کشورها (<https://coronaviruscount.com>)، به نظر می‌رسد این ویروس همچنان در سطح جهانی وجود داشته باشد. از این رو تداوم همه‌گیری جهانی را می‌توان به‌عنوان سدکننده در نظر گرفت.

بر اساس آمارها تا کنون تعداد آزمایش‌های مثبت اعلام شده کووید ۱۹ به عدد ۱۱/۶۷۰/۷۳۹ رسیده است، که از این تعداد وضعیت ۷/۱۴۱/۹۶۰ نفر مشخص شده است ، ۵۳۸/۸۰۹ نفر (۹۲٪) جان خود را از دست داده اند و ۶/۶۰۳/۱۵۱ نفر (۲٪) سلامتی خود را به دست آورده‌اند. این درحالی است که بر اساس آمار رسمی سازمان بهداشت جهانی تعداد موارد فعال رسمی ۴/۵۲۸/۷۷۹ نفر است. همان طور که آمارها نشان می‌دهد ابتلا به ویروس کووید ۱۹ نه تنها با گذشت زمان، گرم شدن هوا، سازگاری بدن انسان ها با ویروس و ... روندی نزولی نداشته است بلکه تعداد مبتلایان روزانه در سطح جهان روندی صعودی دارد، همان طور که در جدول زیر مشخص است: در روزهای میانی تیرماه تعداد مبتلایان روزانه به مرز ۲۰۰ هزار نفر رسیده است (<https://www.worldometers.info>)



۲-۱-۴. توانایی/ ناتوانی تک‌تک قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری در مدیریت ملی کرونا: در این پیش‌بینی، با توجه به اینکه بخش اعظم مبتلایان به کرونا در جوامع قدرتهای بزرگ - شامل امریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه، و چین - به سر می‌برند (Ibid)، موفقیت آنها در مهار این همه‌گیری می‌تواند تا حد زیادی از افزایش آن بکاهد و چه بسا روند افزایش مبتلایان را نیز معکوس نماید. ولی روندهای موجود نشان می‌دهد که از میان قدرتهای بزرگ، ظاهراً فقط چین توانسته است این ویروس را تا حدی کنترل کند و سایر قدرتهای بزرگ انفعالی عمل کرده‌اند، یا با محاسبات نادرست نوعی عقلانیت‌گریزی پیشه کرده‌اند، یا بر خلاف تصور شایع فاقد زیرساخت بهداشت و درمان مکفی یا پاسخ دهنده به وضعیتهای درمانی اضطراری بوده‌اند، و یا در اثر پیر بودن جمعیت یا تراکم و تحرک جمعیتی بالا، مرگ و میرهای زیاد و تداوم داری را تجربه کرده‌اند - <https://www.worldometers.info/coronavirus/coronavirus-age-sex-demographics/>، و از این رو نتوانسته‌اند با تدابیر ملی از عهده مهار و مقابله با آن برآیند. با این اوصاف، با توجه به آنکه اکثر قدرتهای بزرگ نتوانسته‌اند به صورت انفرادی تدابیر موفقیت آمیزی برای مهار کرونا اتخاذ نمایند، این پیش‌بینی می‌تواند به صورت نوعی سدکننده نیز دگرگونی یابد.

ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی، عملکرد بسیار نامناسبی در مدیریت ملی کرونا داشته؛ این کشور با ۳/۰۱۵/۹۰۹ نفر مورد رسمی مبتلا به کوید ۱۹ در صدر کشورهای مبتلا به این ویروس قرار گرفته است. اگرچه بالاترین میزان تست کرونا با ۳۸/۰۰۹/۰۲۴ آزمایش متعلق به کشور آمریکا است اما داشتن جایگاه اول مرگ و میر با تعدا ۱۳۲/۷۸۱ نشان از ضعف حکومت در محافظت از جان شهروندان خود دارد. بریتانیا با ۲۸۵/۷۶۸ نفر مورد رسمی ابتلا و ۴۴/۲۳۶ نفر فوتی در جایگاه سوم پس از برزیل به لحاظ تلفات انسانی است.

روسیه به‌عنوان یکی دیگر قدرت‌های جهانی هرچند از درجه کنترل و درصد درمان نسبی بهتری برخوردار بوده است ولی با ۶۸۷/۸۶۲ مورد ابتلا رسمی در جایگاه چهارم جهانی به لحاظ گسترش بیماری و با تعدا ۱۰/۲۹۶ فوتی در جایگاه ۱۱ جهانی قرار گرفته است. البته فرانسه هرچند با تعدا میتلیان ۱۶۸/۳۳۵ نفر در جایگاه ۱۷ جهانی به لحاظ گسترش بیماری قرار دارد اما با این وجود با تعدا ۲۹/۹۲۰ فوتی جایگاه ۶ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است. آلمان دیگر قدرت جهانی هرچند نسبت به رقیب خود از عملکرد بهتری برخوردار است اما با داشتن ۱۹۸/۰۳۷ ابتلا رسمی در جایگاه ۱۵ جهانی و از نظر تعدا فوتی‌ها با داشتن ۹/۰۹۰ نفر فوتی در جایگاه ۱۳ جهان قرار دارد. برزیل و هند نیز به‌عنوان دو قدرت نوظهور و دو عضو بریکس به ترتیب با تعدا ۱/۶۱۳/۳۵۱ و ۷۲۰/۳۴۶ مورد ابتلا رسمی در جایگاه دوم و سوم گسترش بیماری و با تعدا ۶۵/۱۲۰ و ۲۰/۱۷۴ نفر فوتی در جایگاه دوم و هشتم جهانی قرار گرفته اند. (<https://covid19.who.int>) گذشته از چین که آمارهای آن به صورتی ناگهانی متوقف و پس از چندی با رشد بسیار کندی روبرو شد (که این امر یا نشان از مدیریت موفق در کنترل بیماری دارد و یا حاکی از غیرواقعی بودن آمارها)، مشاهده می‌کنیم که قدرت‌های بزرگ نه تنها نتوانستند در مهار و کنترل بیماری‌الگوی مناسبی برای دیگر کشورهای جهان باشند بلکه خود به نحو چشمگیری در کنترل گسترش بیماری و حفاظت از سلامتی و البته جان شهروندان خود ناکارآمد بودند، که این ناکارآمدی قدرت‌های بزرگ در مواجهه با ویروس جهانی کوید ۱۹ خود به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی منظور می‌گردد.

### ۳-۱-۴. توانایی / ناکامی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری در مدیریت دسته‌جمعی

کرونا: یکی از پیش‌رانهایی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم سناریوها در مورد دورنمای نقش قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا ایفا نماید، این است که آیا و تا چه حدی قدرت‌های بزرگ توانسته‌اند در طول دوران همه‌گیری کرونا به تشریک هم‌افزایانه مساعی بپردازند. به بیان بهتر، آیا این کشورها به سان برهه‌های پیش از دو جنگ جهانی اول و دوم به ترتیب به رقابت بی‌امان و منفعت‌جویی ملی روی آورده‌اند یا به مانند دوره مهار بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸ با بهره‌گیری از انواع و اقسام سازوکارهای نهادین و غیرنهادین به همکاری و مساعدت متقابل پرداخته‌اند. شواهد موجود از کارنامه مختلط قدرت‌های بزرگ در این زمینه حکایت دارد. به بیان بهتر، کمک‌های پزشکی قدرت‌های بزرگ به یکدیگر، هماهنگ‌سازیهای سیاستی آنها در زمینه جابجاییهای کالا و افراد، و همکاریهای چندجانبه‌ای که در قالب نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان بهداشت جهانی داشته‌اند نشان می‌دهد آنها توانسته‌اند به برخی اقدامات جمعی روی آورند و از این نظر، پیش‌رانهایی را برای نقش آفرینی مثبت در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا به بار آورند (Speck, 2020). اما از سوی دیگر، اقداماتی از قبیل سرقت‌های اقلام پزشکی، اتهام‌زنی‌های متقابل رهبران درمورد منشأ اشاعه ویروس کرونا، چالش‌های امریکا با سازمان بهداشت جهانی و ... نیز سدکننده‌هایی اساسی در مورد سناریوهای پیش روی نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا به شمار می‌آیند.

### ۲-۴. شگفتی‌سازها

در صورت‌بندی نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا، مجموعه عوامل و متغیرهایی که می‌توانند روند تحولات آتی را دستخوش تغییرات اساسی و ریشه‌ای کنند، شگفتی‌سازها هستند. این رویدادها می‌توانند تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر مسیر مناسبات همکاری‌آمیز، رقابتی، و خودمحو‌رانه قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا بگذارند و در نتیجه هرکدام از سناریوهای احتمالی را نیز با دگرگونی‌های ژرفی مواجه سازند.

۱-۲-۴. **فروپاشی نظام سرمایه‌دارانه جهانی:** این شگفتی‌ساز در زمانی رخ می‌دهد که شیوه تولید سرمایه‌دارانه در اثر تأثیرپذیری از همه‌گیری جهانی کرونا فرو ریزد و شیوه تولید بدیلی جایگزین آن شود. به بیان بهتر، نوعی تغییر نظام رخ دهد به گونه‌ای که مسیر تاریخ تغییر نماید. این همان وضعیتی است مارکسیستها و بسیاری از منتقدان نظام سرمایه‌دارانه جهانی به ویژه جنبشهای ضدجهانی شدن بدان امید دارند (Saad-Filho, 2020). در این چارچوب، همان گونه که روند تاریخی نیز نشان داده است، هرچند نظام سرمایه‌دارانه جهانی چه بسا دچار تکانه‌هایی از قبیل جنگهای جهانی و بحرانهای اقتصادی تمام عیار شده و می‌شود، ولی به علت آنکه به مرور زمان بلوک تاریخی فراملی نوعی هژمونی را ایجاد کرده است که از بقای آن پاسداری می‌کند، و کل کره خاکی را نیز درنوردیده است، تا زمانی که پادهژمونی قدرتمندی دربرابر آن شکل نگیرد، فروپاشی آن در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد.

۱-۲-۴. **فروپاشی داخلی قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری:** این شگفتی‌ساز بر خلاف شگفتی‌ساز نخست متضمن از میان رفتن کلیت نظام سرمایه‌دارانه جهانی نیست بلکه دربرگیرنده تغییر در نحوه چینش قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری در اثر فروپاشی داخلی یک یا چند فقره از آنهاست. در این میان، نوشته‌های آینده پژوهانه زیادی در مورد این موضوع نگاشته شده است. برای مثال، پاتوماکی (Patomaki, 2005) بر سناریوهای متعددی در مورد فروپاشی داخلی ایالات متحده در آینده تأکید نهاده است، ولی این سناریوها در میان مدت مطرح شده است، نه به عنوان شگفتی‌ساز. در واقع، نشانه‌هایی از واگرایی دسته‌جمعی قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری و نیز واگرایی درونی آنها دیده می‌شود که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در برگزیت و نیز جنبش استقلال‌خواهی ایالت کالیفرنیا مشاهده کرد. ولی با این حال، به نظر می‌رسد این روندها به قدری قوی نیستند که بتوانند فروپاشی داخلی آنها را رقم بزنند. با وجود تمامی این ملاحظات، روندهای موجود جانشینی قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری در سلسله‌مراتب این نظام حکایت دارد نه فروپاشی آنها. به بیان بهتر، ما در حال حاضر شاهد تنزل جایگاه برخی از قدرتهای بزرگ و ارتقای جایگاه برخی دیگر از آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی هستیم.



حال، شرح مختصر خصلتهای مندرج در سه دسته عوامل پیشران‌ها، سدکننده‌ها و شگفتی‌سازها محملی است که می‌تواند به عنوان چراغ راهنمای تنظیم سناریوهای مرتبط با نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا، یعنی پیشبرد گام سوم روش پژوهش، به کار آید.

##### ۵. تنظیم و تحلیل سناریوها در مورد دورنمای نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا

بر مبنای مقوله‌های استخراج شده در قسمت چارچوب مفهومی، و با دنبال کردن مسیری که شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سناریوهای نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی به روی ما می‌گشایند، تنظیم سناریوها در مورد دورنمای نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی نیز امکان‌پذیر خواهد بود.

بر این اساس، ما می‌توانیم دورنمای نقش قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی را در سه دسته سناریوی «یک‌وجهی»، «دو‌وجهی»، و «سه‌وجهی» در نظر آوریم، که در ذیل به واشکافی هر یک از آنها می‌پردازیم:

**الف) سناریوهای یک‌وجهی:** منظور از این سناریوها حالتی است عملاً متضمن رفتار یکپارچه قدرتهای بزرگ خواهد بود؛ که عبارتند از:

۱. «امپریالیسم»: قدرتهای بزرگ به دنبال رقابت با یکدیگر بر سلطه بر سایر کشورهای جهان به منظور اطمینان یافتن از جایگاه برتر خود در سطح جهان خواهند رفت، به گونه‌ای که عملاً نوعی مسابقه به سوی سقوط اتفاق خواهد افتاد.
۲. «ملی‌گرایی»: قدرتهای بزرگ با مسئولیت‌گریزی، بیش از همه به منفعت ملی خود توجه خواهند کرد به گونه‌ای که در پی خوداتکایی زیستی بدون توجه به مشاعات جهانی خواهند بود.

۳. «فراملی‌گرایی»: نوعی مسئولیت‌پذیری دسته‌جمعی قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری رخ خواهد داد که از طریق مشارکت در نهادهای بین‌المللی و در صورت لزوم نهادسازی بین‌المللی به مقابله همکارانه با تهدیدات این چنینی خواهند رفت.

ب) سناریوهای دوجهی: در این سناریوها، قدرتهای بزرگ دو رویه از رویه‌های فوق را به موازات هم در جهان پساکروناپی دنبال خواهند کرد که شامل حالت‌های سه‌گانه ذیل است:

۴. «ملی‌گرایی/امپریالیسم»: قدرتهای بزرگ در عین درون‌نگری خودخواهانه، منفعت‌جویانه، به رقابت با یکدیگر نیز خواهند پرداخت به گونه‌ای که از یک سو منفعت‌جویی ملی‌گرایانه را دنبال خواهند کرد و از سوی دیگر، به رقابت امپریالیستی برای سلطه بر دیگران روی خواهند آورد.

۵. «ملی‌گرایی/فراملی‌گرایی»: قدرتهای بزرگ در عین درون‌نگری خودخواهانه، به همکاری با یکدیگر در برخی از حوزه‌های موضوعی‌گزینش‌شده روی خواهند آورد؛ به عبارت دیگر، آمیزه‌ای از یکجانبه‌گرایی ملی‌گرایانه و چندجانبه‌گرایی همکاری‌جویانه میان قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری شکل خواهد گرفت.

۶. «امپریالیسم/فراملی‌گرایی»: قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری آمیخته‌ای از همکاری و رقابت را در پیش خواهند گرفت؛ به بیان بهتر، آنها چندجانبه‌گرایی همکاری‌جویانه و امپریالیسم رقابت‌محورانه را پیگیری خواهند کرد.

ج) سناریوی سه‌وجهی: این سناریو صرفاً یک حالت را در خود دارد که دربرگیرنده تلاش قدرتهای بزرگ برای پیشبرد اهداف خود با بهره‌گیری توانان از هر سه رویه ممکن در جهان پساکروناپی خواهد بود، که حالت ذیل را دربرمی‌گیرد.

۷. «ملی‌گرایی/امپریالیسم/فراملی‌گرایی»: قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری بسته به موضوعات، به همکاری، رقابت، و منفعت‌جویی ملی روی خواهند آورد به گونه‌ای که چه بسا ممکن است هر سه رویه را به نحوی ترکیبی و یا توانان پیش ببرند. در تحلیل سناریوهای هفتگانه، ملاحظاتی ذیل شایان توجه به نظر می‌رسند:

**نخست آنکه**، سناریوهای تک‌وجهی در نقاط عطف گذشته تاریخی و به‌ویژه در برهه وقوع بحرانهای بزرگ وجود داشته‌اند و در صورت تحقق هر یک از آنها در بحرانهای آینده، گذشته عملاً تکرار خواهد شد؛ از این رو، می‌توان از آنها تحت عنوان سناریوهای کلاسیک یاد کرد. سناریوی اول یعنی روی آوردن قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری به امپریالیسم در برهه چهار دهه متتهی به جنگ جهانی اول رخ داده است که در آن،

دولت‌های بزرگ سرمایه داری در حال رقابتی بی امان بر سر کسب بازارهای بیشتر در مستعمرات بودند (کیلی، ۱۳۹۳). شاهد تاریخی سناریوی دوم را می‌توان در درخودنگری قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری به دنبال وقوع رکود بزرگ در برهه ده‌ساله منتهی به جنگ جهانی دوم بازیافت (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۲۴۵). سناریوی سوم نیز که به همکاری قدرتهای بزرگ سرمایه داری مربوط می‌شود در تدابیر دسته‌جمعی آنها در واکنش به بحران اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۸ مشهود بوده است (Lomfeld, et al., 2016).

دو دسته سناریوهای دیگر، یعنی سناریوهای دوجهی و سه‌وجهی، در نقاط عطف تاریخ رخ نداده‌اند یا کم‌رنگ بوده‌اند که می‌توان آنها را «سناریوهای تلفیقی» نام نهاد؛ در این راستا، در برهه‌هایی که نظام سرمایه داری در وضعیت عادی قرار داشته است، سناریوهای دوجهی به نحوی حکم فرما بوده‌اند؛ برای مثال، در دهه ۱۹۲۰ آمیخته‌ای از امپریالیسم و متاثر از برهه پیش از جنگ جهانی اول و فراملی‌گرایی که در توافقات لوکارنو و بریان کلوگ تبلور یافت شکل گرفت (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۰)، یا در دوران پس از جنگ جهانی دوم، آمیزه‌ای از فراملی‌گرایی چندجانبه‌گرایانه به رهبری آمریکا و ملی‌گرایی متاثر از دهه قبل از جنگ جهانی دوم وجود داشت که تحت عنوان لیبرالیسم انضمامی (embedded liberalism) از آن یاد می‌شود (Ruggie, 1982)، یا رقابت و همکاری توأمان آمریکا و چین در طی دو دهه گذشته را که ناشی از خیزش مسالمت‌آمیز چین و نگرانی عمیق آمریکا به عنوان قدرت سرمایه‌داری راهبر مستقر بوده است می‌توان در قالب سناریوی «امپریالیسم/فراملی‌گرایی» ارزیابی کرد (Allison, 2017). اما به نظر می‌رسد سناریوی سه‌وجهی تاکنون رنگ واقعیت به خود نگرفته است؛ این سناریو در صورت تحقق عملاً صورت‌بندی مناسبات میان قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری را به گونه‌ای رقم خواهد زد که مجال برای سایر دولتها نیز بیش از پیش فراهم خواهد آمد. در مجموع، این سناریوهای تلفیقی در دوران پساکرونا در مقایسه با سناریوهای کلاسیک، متضمن پیچیدگی هر چه بیشتر در رفتار قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری خواهد بود. و البته، بر پایه یادگیری آنها از روند تاریخی نظام سرمایه‌داری پیش خواهند رفت.

**دوم آنکه**، سناریوی سوم یعنی «فراملی‌گرایی» بهترین سناریوی ممکن در چارچوب نظام سرمایه‌دارانه جهانی است، چراکه به گسترش و تعمیق هرچه بیشتر نظام

سرمایه‌دارانه جهانی می‌انجامد و روند فعلی آن را باثبات‌تر می‌سازد و در عمل، بقای بی‌دردسر آن را نیز تضمین می‌کند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد هم‌افزایی قدرتهای بزرگ در مهار کرونا به دور از رقابتگری و حمایتگری زمینه را برای ثبات بخشی به نظام سرمایه‌دارانه جهانی فراهم خواهد آورد و در نتیجه، موفقیت آنها در مهار بحرانهای مشابه سال ۲۰۰۸ را ارتقا خواهد بخشید. روندهای کنونی، به ویژه سیاست امریکای ترامپ و نیز رویه‌های جاری دولتهای اروپایی هم در قبال سایر مناطق جهان و هم در قبال یکدیگر در مهار دسته‌جمعی کرونا تحقق این سناریو را دور از ذهن می‌سازد.

سناریوی چهارم یعنی «ملی‌گرایی/امپریالیسم» بدترین سناریو در چارچوب نظام سرمایه‌دارانه جهانی است، چراکه از یک سو، امپریالیسم‌ها برای به سقوط کشاندن سرمایه‌داری جهانی به رقابتی بی‌امان دست می‌زنند و از سوی دیگر، با روی آوردن به ملی‌گرایی، تجارت آزاد را که سرمایه‌داری جهانی مروج آن است به مخاطره می‌اندازند. از این رو، در این سناریو، چندجانبه‌گرایی و همکاری به نحو مضاعفی متفی می‌گردد. سیاستهای ترامپ، در کل و به طور خاص در قبال همه‌گیری جهانی کرونا، که به طور همزمان به حصارکشی ملی‌گرایانه و تشدید تنش با چین روی آورده است، زنگ خطر را برای تحقق این سناریو به صدا درآورده است ولی مخالفتهای سایر قدرتهای بزرگ سرمایه‌دارانه و نهادهای بین‌المللی موانع جدی در این راه ایجاد کرده است، به طوری که به نظر می‌رسد جهان سرمایه‌دارانه تحقق این سناریو در دوران پساکرونا را برنخواهد تابید.

**سوم آنکه**، در صورت تحقق یکی از سه سناریوی اول، ما شاهد دستورکارهای مشخص از سوی قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری خواهیم بود ولی در چهار سناریوی بعدی، دستورکارهای قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری مختلط خواهند بود به گونه‌ای که نوعی پیچیدگی در رفتار آنها پدید خواهد آمد و این پیچیدگی در سناریوی هفتم به اوج خود خواهد رسید (IPSOS, 2020) چراکه نشان‌دهنده نوسانات زیاد در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا خواهد بود. در مجموع، با وجود تحولاتی از قبیل جهانی شدن، گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، و پایان جنگ سرد که در طی سه دهه اخیر به وقوع پیوسته‌اند و روندهای سیاست جهانی را پیچیده ساخته‌اند، به نظر

می‌رسد قدرتهای بزرگ سرمایه داری خواهند کوشید به منظور بالا بردن پیش بینی پذیری روندها، مناسبات خود را با یکدیگر بر حسب حوزه‌های موضوعی متفاوت، مشخص سازند؛ یادگیری اجتماعی قدرتهای بزرگ سرمایه‌دارانه در دوران همه‌گیری جهانی کرونا به آنها کمک خواهد کرد تا دستورکارهای مختلط را با موضوعات مشخص دنبال کنند.

**چهارم آنکه**، بر اساس تقسیم‌بندی بل، سه سناریوی نخست در مقوله آینده‌های محتمل می‌گنجد؛ سه سناریوی دوم در مقوله آینده‌های ممکن جای می‌گیرند؛ و سناریوی هفتم را می‌توان به‌عنوان آینده مطلوب جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت، چراکه هرچه مناسبات میان قدرتهای بزرگ پیچیده‌تر باشد فضای مانور جمهوری اسلامی ایران در نظام سرمایه دارانه جهانی افزون‌تر می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های ژرفی که همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ به بار آورده است، بی‌شک به رفتارها و رویدادها و روندهای آینده کنشگران انسانی شکل خواهد داد. در این میان به نظر می‌رسد مهم‌ترین عرصه‌ای که از این وضعیت تأثیر پذیرفته و تأثیر خواهد پذیرفت نظام سرمایه دارانه جهانی است، عرصه‌ای که قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری نقش راهبر در آن ایفا می‌کنند. از این رو، تلاش گردید در راستای پیشبرد هدف پژوهش، دورنمای نقش آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی، البته با فرض مهار نهایی بحران همه‌گیری جهانی کرونا، که رویدادی بی‌سابقه در تاریخ معاصر جهان به شمار می‌آید ارزیابی شود.

بدین منظور، با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و با اتکا به روش سناریونویسی، و بر اساس روندکاوی تاریخی و تحلیل محتوای رویدادها و کنشهای جاری میان قدرت‌های بزرگ در برهه مقابله جهان‌گستر با کرونا، حالت‌هایی که می‌تواند در نقش‌آفرینی آنها در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پساکرونا، پیش‌آید، بررسی گردید. با استخراج هفت سناریوهای هفتگانه، شامل سه سناریوی یک‌وجهی «ملی‌گرایی»، «امپریالیسم»، و «فراملی‌گرایی»، سه سناریوی دووجهی «ملی‌گرایی/امپریالیسم»، «ملی‌گرایی/فراملی‌گرایی»،

«امپریالیسم/فراملی‌گرایی» و یک سناریوی سه‌وجهی «ملی‌گرایی/ امپریالیسم/ فراملی‌گرایی»، و تحلیل آنها، چند یافته مهم به دست می‌آید:

نخست آنکه، نظام سرمایه‌دارانه جهانی از دو ویژگی شکنندگی و خودترمیم‌گری برخوردار است به گونه‌ای که قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری کارگزاران ظهور این دو ویژگی به شمار می‌آیند. عملکرد آنها می‌تواند نظام سرمایه‌دارانه جهانی را به نابودی بکشاند و هم پیش‌برنده تداوم بقای آن باشد. دوم آنکه، نوشتار در پرتوی بررسی عوامل مؤثر بر سناریوهای هفتگانه حاکی از آن است که از میان آنها، هرچه از سناریوی هفتم و در وهله بعد سناریوی چهارم مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید چراکه با توجه به روند تشدیدشونده تحریم‌های بین‌المللی به رهبری امریکا، هرچه رقابت بین قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری بیشتر باشد، قدرت مانور بیشتری را فراروی کشور خواهد بود. یافته‌های این نوشتار می‌توانند هدایتگر امکانات پژوهشی قابل ملاحظه‌ای به ویژه در مورد بایسته‌های سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سناریوهای پیش‌روی نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌دارانه جهانی پسا‌کروناپی باشد.

### منابع

- اختیاری امیری، علیپور، فاطمه و حسن زاده، فرامرز (۱۳۹۸)، «تأثیر ناسیونالیسم اقتصادی امریکا بر نظم تجاری لیبرال»، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۹۲-۱۶۱.
- اسمیت، روی، الانیس، عماد و فاراندس، کریستوفر (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سده بیست و یکم، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و روح الله طالبی آرانی، چاپ اول، تهران: نشر مخاطب.
- برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح اله طالبی آرانی، تهران: میزان.
- بل وندل (۱۳۹۲)، مبانی آینده‌پژوهی، اهداف دانش علوم انسانی برای عصر جدید، مصطفی تقوی و محسن محقق. جلد اول. تهران: نشر مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

چرمک، توماس (۱۳۹۴)، برنامه‌ریزی سناریویی در سازمانها: چگونگی خلق، به‌کارگیری و ارزیابی سناریوها، ترجمه مسعود منزوی، تهران: چاپ اول، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

شوارتز، پیتر (۱۳۹۰)، هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت، ترجمه عزیز علیزاده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵)، «آینده پژوهی سیاسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وپنجم، شماره ۷۹، صص ۱۹۸-۱۷۷.

فخرایی، مرضیه و کیقبادی مرضیه (۱۳۹۳)، نگاهی به روش‌های آینده، معرفی شش تکنیک مهم و پرکاربرد در آینده پژوهی، تهران: آینده پژوه.

کیلی، ری (۱۳۹۴)، نگاهی نو به امپریالیسم و مسایل آن، ترجمه روح اله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی، تهران: نشر میزان.

گریفیتس، مارتین (۱۳۹۴)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهانی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: قومس.

رنجکش، محمد جواد، نورمحمدی جواد و اسکندران، منصوره (۱۳۹۵)، «جهانی شدن و دیپلماسی اقتصادی آمریکا (۲۰۰۱-۱۹۹۱)»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، صص ۹۷-۱۱۴.

Allison, Graham (2017), **Destined For War: Can America and China escape Thucydides's Trap**, Houghton Mifflin Harcourt, Boston.

Baldwin, Richard and di Mauro, Beatrice Weder (2020), **Economics in the Time of COVID-19**, Paris: A CEPR Press VoxEU.org eBook

Bell, Wendell (2003), **Foundations of Futures Studies I: History, Purposes, Knowledge**. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers, 1997.

Biscop, Sven (2020), Coronavirus and Power: The Impact on International Politics, **the Egmont, Royal Institute for International Relations**, at: <http://www.egmontinstitute.be/coronavirus-and-power-the-impact-on-international-politics>

- Busby, Joshua (2020), What International Relations Tells Us about COVID-19, at: <https://www.e-ir.info/2020/04/26/what-international-relations-tells-us-about-covid-19/>
- George T. Crane & Abba Amawi (1997), **the theoretical evolution of International Political Economy**, London: Oxford university press.
- Goffman, Ethan (2020), "In the wake of COVID-19, is glocalization our sustainability future? **Sustainability: Science, Practice and Policy**, 16:1, 48-52.
- IPSOS, (2020), **Global Trends: Understanding Complexity**, at: <https://www.ipsos.com/sites/default/files/ct/publication/documents/2020-02/ipsos-global-trends-2020-understanding-complexity.pdf>
- Mishra, Mukesh Kumar (2020), "The World after COVID-19 and its impact on Global Economy", ZBW– Leibniz Information Centre for Economics, Kiel, Hamburg.
- OECD (2020), Coronavirus: The world economy at risk, Interim Economic Assessment, 2 March 2020, at: <https://www.oecd.org/berlin/publikationen/Interim-Economic-Assessment-2-March-2020.pdf>
- Patomaki, Hidemi (2005), **The Political Economy of Global Security**, New York: Routledge.
- Pavel, Carmen E. (2015), **Divided Sovereignty International Institutions and the Limits of State Authority**, London: Oxford University Press.
- Ruggie, J. (1982), 'International Regimes, Transactions and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order', **International Organization**, 36(2): 195–231.
- Saad-Filho, Alfredo (2020), "From COVID-19 to the End of Neoliberalism", **Critical Sociology**, 1–9, at: <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/0896920520929966>
- Speck, Ulrich (2020), Between confrontation and Cooperation: Coronavirus and the International Order, at: <https://eu.boell.org/en/2020/07/06/between-confrontation-and-cooperation-coronavirus-and-international-order>.
- Steinmüller, A., Steinmüller, K. (2004), **Wild Cards**, Wen Das Unwahrscheinliche Eintritt, Humburg: Murmann.
- Lomfeld, Bertram, Somma, Alessandro, and Zumbansen, Peer (eds.) (2016), **Reshaping Markets: Economic Governance, the Global Financial Crisis and Liberal Utopia**, Cambridge: Cambridge University Press.
- <https://covid19.who.int/region/amro/country/us>
- [https://www.worldometers.info/coronavirus/?utm\\_campaign=homeAdvegas1?%22%20%5C1%20%22countries](https://www.worldometers.info/coronavirus/?utm_campaign=homeAdvegas1?%22%20%5C1%20%22countries)
- <https://www.coronaviruscount.com>
- <https://www.worldometers.info/coronavirus/coronavirus-age-sex-demographics/>